

# ادامه جنگ پس از فتح خرمشهر<sup>(۱)</sup>

## نقد و بررسی نتایج یک نظر سنجی

محمد درودیان

برتری هدف سیاستهای جدید منطقه ای امریکا قرار گرفت.

۲) راه حل های پیشنهادی برای پایان دادن به جنگ در این مرحله عموماً از سوی برخی از کشورهای منطقه از جمله عربستان مطرح شد که بیشتر ناظر بر تشکیل صندوق مشترک برای پرداخت خسارت به ایران و عراق بود. بدین ترتیب که کشورهای منطقه با تشکیل صندوقی مشترک مبالغی را به صندوق واریز کنند و تدریجاً برای بازسازی ایران و عراق پرداخت شود. در این زمینه صحبت از مبلغ ۲۵ میلیارد دلار تا ۵۰ میلیارد دلار مطرح شد؛ اما به دلیل اینکه راه حل متناسب با شرایط برتری ایران نبود و سایر خواسته های ایران مانند محکوم کردن متجاوز، عقب نشینی کامل از خاک ایران مورد توجه قرار نگرفته بود، زمینه انجام مذاکرات فراهم نشد، در نتیجه رقم قطعی مشخص نیست.

۳) فاصله زمانی تصمیم گیری ایران پس از فتح خرمشهر تا انجام عملیات رمضان با وقوع برخی رخدادهایی همراه شد که نقش مهمی در شکل گیری ادامه جنگ داشت. در حالی که در سوم خرداد سال ۱۳۶۱ خرمشهر فتح شد، در تاریخ ۱۴ خرداد اسرائیل به جنوب لبنان حمله کرد. تصور اولیه در ایران ناظر بر این معنا بود که نگرانی از پیروزی ایران منجر به گشایش جبهه جدید شده است. واکنش سیاسی - نظامی ایران با اعزام هیئت دیپلماتیک در تاریخ ۱۷ خرداد و سپس اعزام برخی از

فتح خرمشهر به عنوان یک حادثه تاریخی و سرنوشت ساز، پایان بخش دوره اول جنگ است که با تجاوز عراق به ایران در تاریخ ۳۱ شهریور سال ۱۳۵۹ آغاز شد و با آزادسازی مناطق اشغالی به پایان رسید. ادامه جنگ پس از فتح خرمشهر به مدت ۶ سال و تحولاتی که در این مرحله از جنگ صورت گرفت به ویژه نحوه پایان جنگ، پرسش از علت ادامه جنگ را به یک پرسش بنیادین تبدیل کرده است. در این زمینه ملاحظاتی وجود دارد که باید مورد توجه قرار گیرد:

۱) تصمیم گیری برای پایان دادن یا ادامه جنگ پس از فتح خرمشهر با نظر اجماع نخبگان و مسئولین سیاسی - نظامی کشور و در حضور امام راحل و پس از برگزاری جلسات متعدد، اتخاذ شد.

شرایط تصمیم گیری پس از فتح خرمشهر ناظر بر این معنا بود که قوای نظامی ایران با آزادسازی مناطق اشغالی ماهیت جنگ تجاوزکارانه و فرسایشی را با کسب برتری سیاسی - نظامی تغییر داده است و در چنین وضعیتی به زعم امریکا و غرب ارائه هرگونه امتیاز به ایران به معنای به رسمیت شناختن برتری نظام برآمده از انقلاب اسلامی است که با منافع غرب در تضاد است. بنابراین اجتناب از ارائه هرگونه امتیاز به ایران، یک سیاست کلی و مورد توافق بود که از سوی امریکا و غرب دنبال می شد. بر پایه همین ملاحظه با تعریف برتری ایران به عنوان تهدید منافع امریکا و غرب، مهار این

(۱) در راستای اطلاع رسانی مطالب منتشر شده درباره جنگ تحمیلی، این مطلب از سایت اینترنتی دفتر ادبیات و هنر مقاومت استفاده شده است. لازم به ذکر است آقای محمد درودیان بخشی را به عنوان نتیجه گیری به آن اضافه کرده اند.

**فتح خرمشهر یک رخداد سرنوشت ساز و تاریخی با پیامدهای  
استراتژیک بود؛ اتخاذ هر تصمیمی در چنین شرایطی به دلیل  
ابعاد و پیامدهای آن همواره پرسش زا خواهد بود؛  
بنابراین پرسش کنونی از علت ادامه جنگ تحت تأثیر پاره‌ای  
از ملاحظات و شرایط شکل گرفته و اگر روند حوادث صورت  
دیگری به خود می‌گرفت ماهیت و شکل پرسش نیز تغییر  
می‌کرد و گفتمان دیگری حول محور آن شکل می‌گرفت**

نیروهای نظامی و اعلام آمادگی برای جنگ در دو جبهه متأثر از همین ملاحظات بود.

در تاریخ ۲۰ خرداد عراق آمادگی برای عقب نشینی یک جانبه را اعلام و در تاریخ ۳۰ تیر آن را اجرا کرد. در این مرحله ۵ هزار کیلومتر از خاک ایران هم چنان در اشغال ارتش عراق بود که در عقب نشینی تنها ۲۵۰۰ کیلومتر از آن تخلیه شد و مناطق حساس مانند ارتفاعات استراتژیک و شهر نفت شهر در اشغال نیروهای عراق باقی ماند.

ملاحظات سیاسی - نظامی جدید سبب گردید امام (ره) با احساس نگرانی از ماهیت سیاستهای جدید امریکا و اسرائیل و عراق، روند اعزام نیرو به لبنان را متوقف و دستور بازگشت نیروها را صادر کنند.

در چنین فضایی قطعنامه ۵۲۲ در تاریخ ۲۲ تیرماه از سوی سازمان ملل صادر شد که هیچ کدام از درخواستهای ایران مورد توجه قرار نگرفته بود و همچنان از جنگ به عنوان وضعیت میان دو کشور نام برده می‌شد!

مجموع رخداد های سیاسی - نظامی در سطح منطقه، مواضع جدید امریکا، ماهیت قطعنامه جدید سازمان ملل، تماماً نگرانی ایران را - مبنی بر اینکه کلیه تلاشها و سیاستها برای مهار و برتری ایران سازماندهی شده است - تشدید کرد و در نتیجه تصمیم گیری اولیه پس از فتح خرمشهر، با آغاز عملیات رمضان، در تاریخ

۲۳ تیرماه سال ۱۳۶۱ و با هدف تأمین صلح شرافتمندانه و تنبیه متجاوز، به اجرا گذاشته شد.

۴) نقد و بررسی تصمیم گیری برای ادامه جنگ پس از فتح خرمشهر و طرح پرسش در این زمینه برای نخستین بار از سوی نهضت آزادی مطرح شد. مسئله قابل توجه در این زمینه این است که انتقاد نهضت آزادی نزدیک به یک سال پس از تصمیم گیری و اجرای آن و با مشاهده نتایج این تصمیم گیری، اعلام شد، حال آنکه اگر نهضت در این زمینه دیدگاه و موضعی داشت، برای تأثیر گذاری بر روند تصمیم گیری ها باید همانند حزب توده که در همان موقع اقدام به موضع گیری کرد، با صدور بیانیه مواضع خود را رسماً اعلام می‌کرد.

فارغ از این ملاحظه نقدهای ناظر بر تصمیم گیری برای ادامه جنگ اصولاً بر اساس نتیجه و بدون توجه به شرایط طرح می‌شود. حال آنکه جدا کردن یک تصمیم از شرایط و بستر تاریخی آن مانع از فهم ضرورتها و دلایل این تصمیم گیری خواهد شد.

گزینه‌های موجود برای تصمیم گیری ایران به گونه‌ای بود که اگر برای توقف جنگ تصمیم گیری می‌شد، امتیاز قابل ملاحظه‌ای به ایران واگذار نمی‌شد و هیچ تناسبی با شرایط برتری ایران نداشت و احتمالاً زمینه درگیری مجدد ایران و عراق نیز فراهم می‌شد. امروز همان تصمیم گیری با طرح این پرسش روبه روست که: چرا ایران این گونه جنگ را پایان داد؟

حال آنکه، در آن هنگام از موضع برتر برخوردار بود و دشمن دچار هزیمت شده بود.

این توضیح ناظر بر این معناست که پیچیدگیهای حاکم بر شرایط تصمیم‌گیری پس از فتح خرمشهر به گونه‌ای بوده است که هرگونه تصمیم‌گیری با توجه به پیامدهای آن می‌توانست پرسش‌زا باشد و تنها تفاوت در نوع پرسش‌هاست نه اصل آن.

مرکز پژوهشهای اجتماعی نخست وزیری در خرداد سال ۱۳۶۱ طی یک نظرسنجی، از ۵۰۲ نفر با شرایط سنی، تحصیلی و جنسیت متفاوت «نظرات مردم در مورد ادامه جنگ و ورود به خاک عراق» را مورد بررسی قرار داده است. در این نظرسنجی «نظر مردم در مورد ادامه جنگ»، وارد شدن به خاک عراق در صورتی که عراق شرایط ما را نپذیرد و دلایل عدم ورود به خاک عراق مورد توجه قرار گرفته است.

در پاسخ به این پرسش که جنگ را تا کجا باید ادامه داد؟ خروج عراق از خاک ایران با ۳۰/۷ درصد و سقوط صدام با ۲۸/۵ درصد بیشترین آرا را کسب کرده است و سایر گزینه‌ها مانند گرفتن خسارت ۱۲/۴ درصد و صلح تنها ۲ درصد را به خود اختصاص داده‌اند. در حالی که پاسخ نمی‌دانم ۴ درصد بوده است. در پاسخ به این پرسش که اگر عراق شرایط ما را

نپذیرد آیا صلاح می‌دانید وارد خاک عراق شویم بر حسب جنسیت پاسخ مثبت ۷۰/۱ درصد و پاسخ منفی ۱۵/۱ درصد و نمی‌دانم ۹/۲ درصد می‌باشد. بر حسب سن پاسخ مثبت ۷۶/۹ درصد، پاسخ منفی ۷/۷ درصد و نمی‌دانم ۱۵/۴ درصد است. بر حسب میزان سواد پاسخگویان، پاسخ مثبت ۴۸/۴، پاسخ منفی ۳۲/۲، پاسخ نمی‌دانم ۶/۵ درصد است.

درصد پاسخ‌ها به تناسب مناطق بیستگانه تهران متفاوت است. چنانکه پاسخ کسانی که یکی از بستگان آنها در جبهه بوده است در مورد ورود به خاک عراق ۵۸/۳ درصد مثبت و ۲۰ درصد منفی و ۲۰ درصد نمی‌دانم می‌باشد.

این نظرسنجی فارغ از اینکه تا چه میزان می‌تواند از نظر علمی اعتبار داشته باشد، بیانگر بخشی از واقعیات اجتماعی و افکار عمومی نسبت به مسئله جنگ و تصمیم‌گیری در مورد پایان یا ادامه آن و در میان اقشار مختلف با موقعیتهای و شرایط متفاوت می‌باشد که با میانگین ۷۰ درصد با آن چه که پس از فتح خرمشهر واقع شده، موافقت خود را برای ادامه جنگ اعلام کرده‌اند. در پایان، اصل گزارش نظرسنجی برای بهره‌برداری بیشتر منتشر می‌شود.



جدول شماره ۱

جنس	فراوانی	درصد
مرد	۲۷۷	۵۵/۲
زن	۲۲۵	۴۴/۸
جمع	۵۰۲	۱۰۰

جدول شماره ۲

سواد	فراوانی	درصد
بی سواد	۱۱۴	۲۲/۷
ابتدایی	۱۴۷	۲۹/۳
متوسطه	۲۱۰	۴۱/۸
عالی	۳۱	۶/۲
جمع	۵۰۲	۱۰۰

جدول شماره ۳

سن	فراوانی	درصد
۱۵-۲۴ سال	۱۴۸	۲۹/۵
۲۵-۳۴ سال	۱۳۵	۲۶/۹
۳۵-۴۴ سال	۸۲	۱۶/۳
۴۵-۵۵ سال	۷۹	۱۵/۷
۵۵-۶۴ سال	۴۵	۹/-
۶۵ سال و بیشتر	۱۳	۲/۶
جمع	۵۰۲	۱۰۰

## نظرات مردم در مورد ادامه جنگ و ورود به خاک

### عراق

مرکز پژوهش‌های اجتماعی نخست وزیری

خرداد ماه ۱۳۶۱

### مقدمه

برنامه ریزی و تصمیم گیری در مورد پدیده های جامعه، ضرورت گردآوری اطلاعات بر پایه تحقیقات اجتماعی را ایجاب می نماید. این مرکز برای رسیدن به این هدف بنیانی و بر مبنای روشهای علمی، اطلاعات مورد نیاز دولت را در حد امکانات خود ارائه نموده و به یاری خدا فعالیت خود را در این زمینه همچنان ادامه خواهد داد.

علاوه بر این تحقیقات، تغییر و تحول سریع برخی از مسائل و نیاز مسئولین به بعضی از اطلاعات آن چنان ضروری است که تهیه و اجرای طرحهای درخواستی بر اساس نمونه آماری مطلوب در فرصت تعیین شده محدود، عملاً غیر ممکن می باشد و از طرفی آگاهی از هر نوع اطلاعی در زمینه مسائل مطروحه می تواند بر نداشتن آن اطلاع ارجح بوده و حقایقی از جامعه را منعکس و مسئولین را در حل مسائل یاری نماید (گرچه ممکن است همه حقایق کاملاً منعکس نشود)، لذا با توجه به نیاز مسئولین و محدودیت امکانات، این مرکز بر آن شد تا طرحهایی را با نمونه کمتر و در مدت کوتاه تری انجام دهد تا بتواند پاسخگوی نیازهای فوری مسئولین باشد. گزارش زیر حاوی مطالب زیر است:

۱) نظر مردم در مورد ادامه جنگ؛

۲) نظر مردم در مورد وارد شدن به خاک عراق در صورتی که عراق شرایط ما را نپذیرد؛

۳) دلایل عدم ورود به خاک عراق؛

در این گزارش نظرات ۵۰۲ نفر در سطح شهر تهران با حفظ پراکندگی در محلات و خانوارها در تاریخ دهم و یازدهم خردادماه ۶۱ مورد بررسی قرار گرفته است که نتایج آن بدین شرح است:

مشخصات جامعه مورد بررسی در جدول های شماره ۱ و ۲ و ۳ نشان داده شده است.

«به نظر شما جنگ تحمیلی عراق علیه ایران را تا کی بایستی ادامه داد؟»

درصد	فراوانی	موارد
۳۰/۷	۱۵۴	عراق از خاک ایران خارج شود، تمام خاکمان را از عراق بگیریم
۲۸/۵	۱۴۳	تا سرنگونی صدام
۱۲/۴	۶۲	گرفتن خسارت
۱۱/-	۵۵	عراق شرایط ما را بپذیرد
۱۰	۱۰	صلح کنیم
۸/۴	۴۲	پیروز شویم
۴/۸	۲۴	ایجاد جمهوری اسلامی در عراق
۴/۲	۲۱	صدام مجازات و محاکمه شود
۳/۶	۱۸	هر چه زودتر تمام شود بهتر است
۲/۲	۱۱	دست امریکا از منطقه کوتاه شود و استکبار جهانی از بین برود
۲/۴	۱۲	سایر؟
۴/-	۲۰	نمی دانم
؟؟	۵۷۲	جمع

«اگر عراق شرایط ما را نپذیرد آیا صلاح می دانید که وارد خاک عراق شویم؟» (بر اساس جنس پاسخگویان)

جمع		جنس				موارد
		زن		مرد		
درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۷۰/۱	۳۵۲	۶۲/۷	۱۴۱	۷۶/۲	۲۱۱	بلی
۱۵/۱	۷۶	۲۰/۹	۴۷	۱۰/۵	۲۹	خیر
۵/۶	۲۸	۳/۶	۸	۷/۲	۲۰	بلی مشروط بر اینکه؟
۹/۲	۴۶	۱۲/۹	۲۹	۶/۱	۱۷	نمی دانم
۱۰۰	۵۰۲	۱۰۰	۲۲۵	۱۰۰	۲۷۷	جمع

**«اگر عراق شرایط ما را نپذیرد آیا صلاح می‌دانید که وارد خاک عراق شویم؟» (بر حسب سن پاسخگویان)**

موارد	سن		۲۴-۱۵ سال		۳۴-۲۵ سال		۴۴-۳۵ سال		۵۴-۴۵ سال		۶۴-۵۵ سال		۶۵ سال - بیشتر	
	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد
بلی	۷۳	۱۰۸	۹۷	۷۱/۹	۶۱	۷۴/۴	۴۷	۵۹/۵	۲۹	۶۴/۴	۱۰	۷۶/۹		
خیر	۱۶/۹	۲۵	۲۱	۱۵/۶	۱۲	۱۴/۶	۱۲	۱۵/۲	۵	۱۱/۱	۱	۷/۷		
بلی مشروط	۶/۸	۱۰	۴	۳	۳	۳/۷	۵	۶/۳	۶	۱۳/۳	-	-		
نمی‌دانم	۳/۴	۵	۱۳	۹/۶	۶	۷/۳	۱۵	۱۹	۵	۱۱/۱	۲	۱۵/۴		
جمع	۱۰۰	۱۴۸	۱۰۰	۱۳۵	۸۲	۱۰۰	۷۹	۱۰۰	۴۵	۱۰۰	۱۳	۱۰۰		

**«اگر عراق شرایط ما را نپذیرد آیا صلاح می‌دانید که وارد خاک عراق شویم؟» (بر حسب میزان سواد پاسخگویان)**

موارد	سواد		بی سواد		ابتدایی		متوسطه		عالی	
	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد
بلی	۷۰/۲	۸۰	۷۶/۲	۱۱۲	۱۴۵	۶۹/۱	۱۵	۸۴/۴		
خیر	۷/۹	۹	۱۱/۶	۱۷	۴۰	۱۹/۱	۱۰	۲۳/۳		
بلی مشروط	۴/۴	۵	۴/۱	۶	۱۰	۶/۲	۴	۱۲/۹		
نمی‌دانم	۱۷/۵	۲۰	۸/۲	۱۲	۱۲	۵/۷	۲	۶/۵		
جمع	۱۰۰	۱۱۴	۱۰۰	۱۴۷	۲۱۰	۱۰۰	۳۱	۱۰۰		

**«اگر عراق شرایط ما را نپذیرد آیا صلاح می‌دانید که وارد خاک عراق شویم؟»  
(نظر پاسخگویانی که یکی از اقوام نزدیک آنها از اوایل جنگ تا کنون در جبهه بوده است)**

موارد	در جبهه بوده		در جبهه نبوده	
	درصد	تعداد	درصد	تعداد
بلی	۷۲/۴	۳۲۰	۵۸/۳	۳۵
خیر	۱۴	۶۲	۲۰	۱۳
بلی مشروط	۶/۱	۲۷	۱/۷	۱
نمی‌دانم	۷/۵	۳۳	۲۰	۱۲
جمع	۱۰۰	۴۴۲	۱۰۰	۶۰

«اگر عراق شرایط ما را نپذیرد آیا صلاح می‌دانید که وارد خاک عراق شویم؟» (نظر پاسخگویانی که یکی از اقوام نزدیک آنها از اوایل جنگ تاکنون در جبهه بوده یا هم‌اکنون در جبهه است یا به جبهه رفته و برگشته و یا مجروح و شهید داده است)

موارد	هم‌اکنون در جبهه است		به جبهه رفته و برگشته		مجروح و شهید داده	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
بلی	۱۹۵	۷۳/۹	۱۵۵	۷۴/۲	۱۴۱	۷۰/۹
خیر	۳۲	۱۲/۱	۲۸	۱۳/۴	۳۰	۱۵/۱
بلی مشروط	۱۵	۵/۷	۱۳	۶/۲	۱۶	۸/۰۰
نمی‌دانم	۲۲	۸/۳	۱۳	۶/۲	۱۲	۶/۰۰
جمع	۲۶۴	۱۰۰	۲۰۹	۱۰۰	۱۹۹	۱۰۰

«اگر عراق شرایط ما را نپذیرد آیا صلاح می‌دانید که وارد خاک عراق شویم؟» [نظر پاسخگویانی که یکی از اقوام نزدیک آنها (سپاهی یا بسیجی، ارتشی، سرباز) از اوایل جنگ تاکنون در جبهه بوده اند]

موارد	سپاه یا بسیج		ارتش		سرباز	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
بلی	۱۹۱	۷۵/۵	۸۹	۶۹	۱۸۶	۷۳/۹
خیر	۲۸	۱۱/۱	۱۷	۱۳/۳	۳۸	۱۴/۹
بلی مشروط	۱۴	۵/۵	۹	۷/۰۰	۱۸	۷/۱
نمی‌دانم	۲۰	۷/۹	۱۴	۱۰/۹	۱۳	۵/۱
جمع	۲۵۳	۱۰۰	۱۲۹	۱۰۰	۲۵۵	۱۰۰

«دلایل اظهار شده از سوی پاسخگویانی که ورود به خاک عراق را صلاح نمی‌دانند»

موارد	تعداد	درصد
ما را متجاوز حساب می‌کنند	۳۸	۵۰/۰
مجبور می‌شویم با کشورهای دیگر مخصوصاً کشورهای منطقه درگیر شویم	۱۰	۱۳/۲
باعث کشتار بیشتر می‌شود	۸	۱۰/۵
اگر ما خاک خودمان را بگیریم دلیلی دیگر ندارد که وارد خاک آنها شویم	۸	۱۰/۵
از نظر اسلام و قرآن درست نیست	۳	۴/۰۰
سایر <sup>(۱)</sup>	۹	۱۱/۸
جمع	۷۶	۱۰۰

(۱) سایر موارد عبارتند از: اگر با منطق انقلاب را صادر کنیم بهتر از جنگ است - سازمان ملل متحد بایستی رسیدگی کند - عراق با روسها پیمان دارد اگر ما حمله کنیم روس هم وارد جنگ می‌شود - چون شکست می‌خوریم و کشورهای غربی فشار زیادی بر ما وارد می‌سازند - جنگ داخلی به وجود می‌آید و گروهها و رادیوهای بیگانه سوء استفاده می‌کنند - هر چه ما ضرر دیده‌ایم آنها هم دیده‌اند.

چه پیشنهادی برای تحقق شرایط ایران دارید؟ دلایل اظهار شده از سوی پاسخگویانی که ورود به خاک عراق را صلاح نمی‌دانند.

درصد	تعداد	موارد
۲۱/۱	۱۶	از طریق مذاکره به نتیجه می‌توان رسید
۱۴/۵	۱۱	با جنگ دفاعی خسارت را بگیریم و وارد خاک نشویم
۹/۲	۷	باید خسارت را بپردازد
۶/۶	۵	سازمان بین‌المللی تصمیم بگیرد
۲/۶	۲	مازاد اسرای آنها را برای خسارت نگهداریم، با معاوضه اسرا می‌توان زمینه را آماده کرد
۴۶/۰۰	۳۵	نمی‌دانم
۱۰۰	۷۶	جمع

### نتیجه‌گیری

پرسش از علت ادامه جنگ پس از فتح خرمشهر در مقایسه با سایر پرسشها، نسبتاً بنیادی و فراگیر شده است. هم‌اکنون ابعاد واکنش برانگیز این پرسش، گفتمان جدیدی را شکل داده است و ادبیات آن با انتشار کتاب، مقاله و سخنرانی روبه‌گسترش است. مطالعات تاریخی درباره رخدادهای سرنوشت‌ساز و رویکرد انتقادی نسبت به آن بیانگر این معنا است که نقاط عطف تاریخی همواره در برابر پرسشهای بنیادی قرار دارد. این پرسشها تحت شرایط خاصی شکل می‌گیرد و با وجود ارائه

پاسخ‌های متفاوت، پرسشها هم‌چنان پابرجا باقی می‌ماند. بنابراین نمی‌توان انتظار داشت با طرح پاسخ، پرسش فراموش شود. با این توضیح به نظر می‌رسد گفتمان موجود حول محور ادامه جنگ پس از فتح خرمشهر - هم‌چنان روبه‌گسترش خواهد بود و پیرامون آن ضمن تحقیق و پژوهش - باید تأمل و اندیشه کرد. پرسش از ادامه جنگ پس از فتح خرمشهر فارغ از نقش و تأثیر ملاحظات سیاسی - نظامی - اجتماعی در طرح و نهادینه شدن آن، به نظر می‌رسد در نسبت با حادثه تاریخی فتح خرمشهر و تصمیم‌گیری ایران و





نقد ادامه جنگ پس از فتح خرمشهر و طرح پرسش در این زمینه نخستین بار از سوی نهضت آزادی مطرح شد؛ انتقاد نهضت آزادی نزدیک به یک سال پس از تصمیم‌گیری و اجرای آن و با مشاهده نتایج این تصمیم‌گیری، اعلام شد، حال آنکه این گروه اگر در این زمینه دیدگاه و موضعی داشت، برای تأثیرگذاری بر روند تصمیم‌گیری‌ها باید همانند حزب توده که در همان موقع به موضع‌گیری اقدام کرد، با صدور بیانیه مواضع خود را رسماً اعلام می‌کرد

درباورها و واقعیت صحنه سیاسی - نظامی جنگ و منطقه، گفتمان جدیدی حاکم می‌شد که مشخصه آن برتری ایران و انفعال سایر بازیگران بود. حال آنکه نتیجه عملیات رمضان و ادامه جنگ و مهمتر از همه گسترش دامنه جنگ با حمله عراق به شهرها و زیرساختهای اقتصادی و صنعتی کشور تدریجاً منجر به پیدایش پرسش از ادامه جنگ شد. در واقع این پرسش ناظر به نتایج و پیامدهای ادامه جنگ پس از فتح خرمشهر می‌باشد.

هم‌چنین در گفتمان انتقادی نسبت به تصمیم‌گیری ایران پس از فتح خرمشهر، شرایط و فضای تصمیم‌گیری و امکان‌پذیری اتمام جنگ با توجه به افکار عمومی در جامعه ایران و در میان رزمندگان و مسئولین سیاسی - نظامی و هم‌چنین عدم توجه و تأمین خواسته‌های ایران توسط عراق، سازمان ملل و سایر بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای مورد توجه قرار نمی‌گیرد و صرفاً به ضرورت پایان جنگ تأکید می‌شود. حال آنکه تغییر در وضعیت استراتژیک جنگ و برتری ایران بر عراق سبب گردید نگرانی ناشی از برتری ایران همراه با امیدورای به مقاومت صدام در برابر حملات ایران، مانع از توجه به خواسته‌های ایران و تأمین آن شود. از این منظر عملیات

روندهای منتهی به ادامه جنگ پس از فتح خرمشهر و هم‌چنین نتایج و پیامدهای آن، فاقد استحکام لازم و اساساً به روش غیر صحیح طرح شده است. در این پرسش موضوع بررسی بر تصمیم‌گیری متمرکز است. حال آنکه مسئله اساسی نحوه اجرای این تصمیم است. ضمن اینکه این پرسش از نتایج عملیات رمضان و طولانی شدن جنگ و نه شرایط تصمیم‌گیری پس از فتح خرمشهر، شکل گرفته است. با این توضیح پرسش اساسی‌ای که می‌توان درباره تداوم جنگ پس از فتح خرمشهر مطرح کرد این است که چرا پیروزی در خرمشهر به پیروزی استراتژیک ایران بر عراق و خاتمه جنگ، منجر نشد؟ در واقع اگر عملیات رمضان با پیروزی نظامی ایران بر عراق به پایان می‌رسید، روند تحولات و تا اندازه‌ای سرنوشت جنگ تغییر می‌کرد و پیامدهای این تحول استراتژیک به سادگی قابل مهار نبود و منجر به برتری ایران و ظهور چالش‌های جدید و احتمالاً پیدایش موقعیت جدید<sup>(۱)</sup> ایران، از سوی بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی می‌شد.

پیدایش چنین وضعیتی نه تنها مانع از شکل‌گیری پرسش از علت ادامه جنگ پس از فتح خرمشهر می‌شد، بلکه با تحولات و دگرگونیهای مفهومی و عینی

(۱) انقلاب اسلامی واقعیتی بود که با اراده مردم ایران تحقق یافت. این رخداد مطلوب کشورهای منطقه و قدرتهای فرامنطقه‌ای نبود ولی در نهایت با رضایت مردم ایران به یک واقعیت غیر قابل انکار تبدیل شد. در مورد برتری ایران به نظر می‌رسد این امکان وجود داشت به عنوان یک واقعیت جدید تثبیت و مورد پذیرش قرار گیرد.



دیگری حول محور آن شکل می گرفت.

آنچه روشن است ایران پس از غلبه بر معضل تجاوز و اشغال، با آزادسازی مناطق اشغالی و تأمین ثبات سیاسی وضعیت استراتژیک جنگ را تغییر داد و در موضع برتر قرار گرفت. پیدایش این تحول غیرقابل پیش بینی بود و در نتیجه مواضع و رفتار عراق و سایر بازیگران منطقه ای و فرمانطقه ای را دگرگون کرد. در چنین فضایی با وجود برتری ایران، هم چنان خواسته های ایران مورد بی توجهی قرار گرفت.

وضعیت حاصل از برتری ایران، باورها و تصورات مردم، رزمندگان و تصمیم گیرندگان را برای تصمیم گیری تحت تأثیر قرار داد. نوعی خوش بینی همراه با نگرانی حاکم شده بود. پیروزیهای پی در پی در عملیاتیهای آزادسازی و تضعیف روحیه ارتش عراق و تلفات وارده بر آنها و هم چنین تضعیف موقعیت سیاسی صدام، این باور را ایجاد کرده بود که با تکیه بر اقدام نظامی می توان موقعیت برتر ایران را تثبیت و خواسته های برحق جمهوری اسلامی ایران را تأمین کرد. متقابلاً مواضع و سیاست بازیگران به ویژه امریکا و عراق نگران کننده بود و به نظر می رسید هیچ گونه تمایلی برای توجه و تأمین خواسته های ایران وجود

رمضان به منزله آزمون میزان قدرت و توانایی ایران برای کسب پیروزی نظامی بر عراق و متقابلاً قدرت مقاومت عراق در برابر تهاجمات ایران بود. بر اساس همین ملاحظه، افزایش حمایت های همه جانبه از عراق، با هدف ناکامی ایران و حفظ صدام طراحی و اجرا شد.

با این توضیح در حالیکه ایران در موضع برتر قرار داشت و پیامدهای صلح با عراق و برقراری آتش بس کاملاً مبهم بود. آیا امکان اتمام جنگ وجود داشت؟ اگر ایران در وضعیت برتر، از موضع ضعف با دریافت مقداری پول<sup>(۱)</sup> به عنوان غرامت مالی از صندوق مشترک کشورهای عربی<sup>(۲)</sup> به جنگ پایان می داد آیا این اقدام به منزله تأمین حقوق ایران و برقراری صلح و ثبات بود؟ آیا امروز همین اقدام مورد پرسش قرار نمی گرفت؟

این توضیحات و ملاحظات نشان می دهد، فتح خرمشهر یک رخداد سرنوشت ساز و تاریخی با پیامدهای استراتژیک بود. اتخاذ هر تصمیمی در چنین شرایطی به دلیل ابعاد و پیامدهای آن همواره پرسش زا خواهد بود. بنابراین پرسش کنونی از علت ادامه جنگ تحت تأمین پاره ای از ملاحظات و شرایط شکل گرفته و اگر روند حوادث صورت دیگری به خود می گرفت - ماهیت و شکل پرسش نیز تغییر می کرد و گفتمان

(۱) چنانکه در کتاب توضیح داده شد، ارقام پیشنهادی متفاوت و تنها در حد طراح ستاد یا شایعه بوده است و هیچ گاه به نتیجه روشن و قطعی نرسید.  
(۲) ساز و کار پرداخت غرامت بر ایران با تشکیل صندوق مشترک از سوی کشورهای عربی و پرداخت غرامت بر ایران و عراق و پیش بینی شده بود.

**پرسش اساسی ای که می توان درباره تداوم جنگ پس از فتح  
خرمشهر مطرح کرد این است که چرا پیروزی در خرمشهر به  
پیروزی استراتژیک ایران بر عراق و خاتمه جنگ، منجر نشد؟  
در واقع اگر عملیات رمضان با پیروزی نظامی ایران بر عراق به  
پایان می رسید، روند تحولات و تا اندازه ای سرنوشت جنگ  
تغییر می کرد**

مصاحبه، سخنرانی یا انتشار بیانیه در مخالفت با ادامه جنگ و یا ارائه گزینه های مناسب برای خاتمه دادن به جنگ انجام ندادند. تنها یکسال پس از پیروزی فتح خرمشهر و تداوم انسداد فضای سیاسی کشور به دلیل ادامه جنگ نهضت آزادی<sup>(۱)</sup> برای نخستین بار اقدام به طرح پرسش از علت ادامه جنگ کرد و این نقطه آغاز شکل گیری گفتمان جدید نسبت به ادامه جنگ پس از فتح خرمشهر بود.

ندارد. در چنین وضعیتی سازمان ملل هم چنان نسبت به اعلام صدام به عنوان متجاوز ظفره می رفت و عراق نیز در خاک ایران حضور داشت. گسترش حمایت از عراق و متقابلاً فشار و تهدید ایران برای پایان دادن به جنگ، نگران کننده بود. در چنین وضعیتی حمله اسرائیل به جنوب لبنان و عقب نشینی یک جانبه عراق از برخی مناطق و در عین حال استقرار در مناطق استراتژیک، منجر به پیدایش این باور شد که هدف اصلی حفظ صدام و فشار به ایران است و گذشت زمان موجب بازسازی توان نظامی عراق و ایجاد مواضع دفاعی خواهد شد.

در این روند و در چنین فضا و شرایطی جمهوری اسلامی در واکنش به تحولات جدید بر پایه خوش بینی و نگرانی ها، زمینه های انجام عملیات رمضان را فراهم ساخت. تصمیم برای انجام عملیات از سوی امامی خمینی و پس از جلسات متعدد با مسئولین سیاسی - نظامی کشور و ارزیابی نسبت به موقعیت ایران، وضعیت منطقه و چشم اندازهای مخاطره آمیز آینده، اتخاذ شد.

کلیه اشخاص و جریانات سیاسی به استثناء حزب توده - که تحت تأثیر سیاستهای شوروی - ابتدا با ادامه جنگ و سقوط صدام موافق بود ولی بعداً مخالفت کرد، هیچگونه تلاش و موضع گیری روشنی را از طریق

(۱) نگاه کنید به کتاب پرسشهای اساسی جنگ، محمد درودیان.